

سرنوشت نظریه‌ها به روایت یک نظریه‌پرداز

دکتر خسرو باقری نوع‌پرست

استاد دانشگاه تهران و نظریه‌پرداز تعلیم و تربیت اسلامی

طرح نظریه‌ها و اساساً نظریه‌پردازی به دو جهت اهمیت دارد؛

نخست آنکه در جغرافیای علمی باید جایگاه خود را مشخص کنیم و اصالتی از خود نشان دهیم. استفاده از نظریه‌های دیگر اندیشمندان در سایر جوامع یک ضرورت است اما کافی نیست ما باید نقش خود را در علم مشخص کنیم. علم با آمدن نظریه‌ها به پایان نمی‌رسد و نباید تنها به ترویج و تکرار آنها بسنده کرد. بنابراین، جامعه ما برای داشتن اصالت علمی، باید تمرین نظریه‌پردازی کند. متأسفانه، امروز دانشگاه‌های ما بیشتر مصرف‌کننده نظریه‌های دیگران هستند. تقریباً در تمام رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی اعم از روانشناسی، جامعه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی این وضعیت حاکم است.

دومین دلیل ضرورت نظریه‌پردازی، اهمیت داشتن نظریه‌های بومی برای حل مسائل بومی ما است. درست است که نظریه‌ها جهان شمول هستند اما وابستگی‌های آنها به فرهنگ و خاستگاه شان را نمی‌توان منکر شد. در حوزه‌های فلسفی و علمی هم به همین صورت است به‌عنوان مثال اگزیستانسیالیسم در اروپا و در دوران بعد از جنگ طرح شد و به‌دنبال آن، مفاهیمی همچون اضطراب، مرگ، ترس، رنج و… در حوزه فلسفی برجسته شد که از اساس طرح چنین مسائلی به‌دلیل آن شرایط خاص زمانی و مکانی اروپا بود. هرچند بهره‌گیری از فلسفه اگزیستانسیالیسم تنها محدود به غرب بعد از جنگ نیست و در دیگر جوامعی که به نوعی جنگ را تجربه کرده‌اند هم می‌تواند مفید باشد اما نظریه‌ها در عین اینکه جهان شمول هستند، بوم‌زادند. به این اعتبار، ما باید بنویسیم متناسب با فرهنگ و مسائل مان نظریه‌های خود را داشته باشیم و در این مهم، ابداع را بپوسته محل نظر داشته باشیم و در هیچ نظریه‌ای چه بومی و چه غریبومی متوقف نشویم.



تصویر: حسین رضاعی

■ **ایجاد نهاد «کرسی‌های نظریه‌پردازی، آزاداندیشی، نقد و مناظره» تلاشی مغتنم و بجا در خصوص دغدغه نظریه‌پردازی در جامعه ما است. اما متأسفانه این نهاد مهم در جامعه ما به عرصه‌ای نمایشی و تشریفاتی بدل شده است و در عمل خروجی‌های آن کاربست چندانی نمی‌یابد. برای کاربست این نظریه‌ها در زندگی روزمره و حیات سیاسی و اجتماعی، امکانات و حمایت‌هایی لازم است که در عمل اتفاق نمی‌افتد.**

۲ **ایجاد نهاد «کرسی‌های نظریه‌پردازی، آزاداندیشی، نقد و مناظره» تلاشی مغتنم و بجا در خصوص دغدغه نظریه‌پردازی در جامعه ما است. اما متأسفانه این نهاد مهم در جامعه ما به عرصه‌ای نمایشی و تشریفاتی بدل شده است و در عمل خروجی‌های آن کاربست چندانی نمی‌یابد.**

تکنه‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که تلاش‌هایی که برای نظریه‌پردازی صورت می‌دهیم و در کرسی‌های نظریه‌پردازی به تصویب می‌رسد تنها یک مرحله و گام ابتدایی است و اینگونه نیست که کار نظریه‌ها تمام شده باشد. این نظریه‌ها باید گسترش یافته، آزموده شده و در دنیای واقعی و در تجربه زندگی روزمره به محک گذاشته شوند که خود این امر نیازمند فرصت و امکانات است و پرسش اصلی اینجا است که کرسی‌های نظریه‌پردازی برای امتداد یافتن نظریه‌ها به من استاد دانشگاه چه کمک و امکاناتی ارائه می‌کند؟ دانشگاه در خصوص امتداد دادن یک نظریه چه امتیاز و فرصتی به نظریه‌پردازان می‌دهد؟ متأسفانه، تقریباً هیچ!

۳ **به‌عنوان یکی از ۶۵ نظریه‌پردازی که نظریه‌اش با عنوان «تعلیم و تربیت اسلامی؛ چهارچوب تئوریک و کاربرد آن» در کرسی‌های نظریه‌پردازی تصویب شده است، باید بگویم که این نظریه‌ها بعد از تصویب بدون هیچ حمایتی و تنها در حد یک نوشته و مقاله باقی مانده‌اند که البته همان هم تأثیرگذار است ولی بسیار محدود.**

پنج – شش سال پیش قرار شد تا «انتشارات سمت» خلاصه‌ای از نظریه‌های به تصویب رسیده کرسی‌های نظریه‌پردازی و آزاداندیشی منتشر کند ولی بعد از گذشت شش سال، هنوز این مهم محقق نشده است! چاپ خلاصه‌ای از نظریه‌های تصویب شده در کرسی‌های نظریه‌پردازی، آیا سخت و پرهزینه است که تا کنون اجرایی نشده است؟

این در حالی است که برخی از مؤسسات علمی و فرهنگی از چنان امکانات مالی مناسبی برخوردارند که اکثر پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشجویان خود را در قالب کتاب منتشر می‌کنند! اما محصل کار کرسی‌های نظریه‌پردازی در جامعه ما، فرصت و مجالی حتی برای تبدیل شدن به یک مجلد مشخص را هم ندارد! بگذریم از دیگر امکاناتی که برای کاربست این نظریه‌ها در زندگی روزمره و حیات سیاسی و اجتماعی لازم است.

چنانکه باید عالمانه و با معیارهای علمی و فرهنگی هزینه نمی‌شود و این سوهدمیریت یکی از اشکالاتی است که دامنگیر بسیاری از حوزه‌ها شده است و نهاد علم از جمله حوزه‌هایی است که از این سوهدمیریت رنج می‌برد.

- سه‌شنبه ۲۵ مرداد ۱۴۰۱**
- سال بیست و هشتم**
- شماره ۷۹۸۰**



چهره‌ان

گفت‌وگو باحجت الاسلام عبدالکریم بهجت‌پور، دبیر هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی سیر نظریه‌ها در جامعه ایرانی

آیا «عمل بر اساس نظریه» رویه حکمرانی و مبنای سیاست‌های ما را شکل می‌دهد؟

موسا رضاعی

خبرنگار

این روزها، ما به‌عنوان روزنامه‌نگار، هر حوزه‌ای را مورد آسیب‌شناسی قرار می‌دهیم، در نهایت با این اظهار نظر اهالی اندیشه مواجه می‌شویم که ریشه بسیاری از مسائل ما به «فقدان نظریه» بازمی‌گردد. به این اعتبار، به نظر می‌رسد نظریه‌پردازی و داشتن نظریه بومی از جدی‌ترین پارامترها در حل مسائل جامعه ما است. به‌دلیل اهمیت این ماجرا و البته تأکیدات رهبر معظم انقلاب مبنی بر گسترش نظریه‌پردازی و برپایی کرسی‌های نقد و مناظره در حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها، در نهایت در هفدهم بهمن سال ۱۳۸۲ نهاد «هیأت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، آزاداندیشی، نقد و مناظره» زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی با ریاست آیت‌الله علی اکبر رشاد تأسیس شد و حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالکریم بهجت‌پور به تازگی قائم‌مقامی و دبیری این مجموعه را عهده‌دار شده است که به این مناسبت با ایشان به گفت‌وگو نشستیم. تاکنون (که حدود دو دهه از فعالیت این مجموعه می‌گذرد) ۶۵ نظریه در این کرسی‌ها به تصویب رسیده است، با توجه به اینکه هدف اصلی از راه‌اندازی این هیأت، حمایت از گسترش کمی و کیفی برگزاری کرسی‌ها در حوزه علوم انسانی، معارف دینی، مساعت مؤثر به بسط آزاداندیشی و شکل‌گیری جنبش ملی نقد و نظریه‌پردازی در ایران است محور بحث مادر این گفت‌وگو بر این اساس قرار گرفت که اثرگذاری عینی این نهاد را کجا باید دید؟ از نظریه‌های به تصویب رسیده در این نهاد، چه خروجی را باید انتظار داشت؟ این نظریه‌ها چقدر در سیاستگذاری‌ها و حل مسائل امروز جامعه ما محل رجوع و استناد قرار می‌گیرند؟ نظریه‌های تصویب شده چه کاربستی در جامعه ایرانی پیدا کرده‌اند؟

اساساً چقدر رویه‌های حکمرانی ما بر اساس نظریه‌ها شکل می‌گیرد؟ بهجت‌پور پاسخ‌های قابل تأملی به این پرسش‌ها می‌دهد و از پروژه‌های بر زمین مانده این نهاد می‌گوید و معتقد است با گذشت دو دهه از فعالیت این مجموعه، هنوز در اول راه هستیم!

جناب بهجت‌پور! چرا داشتن نظریه و رسیدن به نظریه‌پردازی در یک جامعه ضرورت دارد؟ «عمل بر اساس نظریه» اساساً دغدغه جامعه علمی رویه حکمرانی ما هست؟

یکی از مباحث مهم در ساخت جامعه رویه‌های حکمرانی «تولید نظریه» است. نظریه‌پردازی، مستلزم تفکر و تمرکز تعدادی از دانشمندان یک حوزه تخصصی بر یک موضوع مشخص است تا طی آن به همه ابعاد آن موضوع پرداخته شود. اغلب در نتیجه این اجتماع فکری، نظریات مختلفی طرح و ارائه شده و از میان آنها بهترین و استوارترین نظریه انتخاب می‌شود تا به‌عنوان مبنای عمل در حوزه‌های مختلف اداره کشور، مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

■ **وقتی ما برای آسیب‌شناسی مسائل مختلف**

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

درد که به وسیله نقردها و مناظره‌ها، فرسایش یا تعالی پیدا کند. اگر این اتفاق نیفتد، ممکن است مدتی به یک نظریه و رویه عمل کرده و آن را به‌عنوان گفتمان حاکم اجرا کنیم اما پس از آن، سال‌ها با اشکالاتی که آن گفتمان در پی داشته است، مواجه شویم. مثل نظریه‌های جمعیتی اشتباهی که در سال‌های گذشته عملیاتی کردیم و باعث شد تا با وجود اینکه از سرعت رشد جمعیتی مناسبی برخوردار بودیم امروز با چالش جمعیت مواجه شویم.

■ **بنابراین، عدم اجماع نخبگانی و اجتماع علمی دو مشکلی است که عرصه نظریه‌پردازی ما از آن رنج می‌برد. موانع این اجماع نخبگانی و اجتماع علمی را چه می‌دانید؟**
به نظر می‌رسد ما گرفتار یک درک با ابهت از گفتمان و نظریه حاکم شده‌ایم. همین باعث می‌شود صاحبان نظریه احساس کنند گفت‌وگو درباره آن نظریه‌ها و نقد آنها یا طرح گفتمان رقیب هزینه‌های اجتماعی و امنیتی دارد و هر چه چنین حسی در جامعه علمی و نخبگانی بالا رود، زمینه برای گفت‌وگو و تولید نظریه کمتر خواهد شد.

■ **اشاره کردید که ما هنوز به نظریه استوار و پایدار نرسیده‌ایم. مقصود شما از نظریه استوار و پایدار چیست؟ آیا ما به یک کلان نظریه نیاز داریم؟**
مقام معظم رهبری که مسأله کرسی‌های نظریه‌پردازی، آزاد اندیشی و نقد و مناظره را مطرح کردند، معتقد بودند که جامعه نخبگانی ما با حمایتی که دستگاه‌های کلان فرهنگی بخصوص شورای عالی انقلاب فرهنگی از آنها می‌کند و جاهتی که این شورا دارد، باید ابتدا زمینه اقبال به نظریه و دوم، گفت‌وگو در مورد رویه‌ها را در کشور ایجاد کنند و سوم امنیت لازم را به مخاطبان منتقل کنند. گاهی فضای اجتماعی، فضایی است که به گفت‌وگوی جدید مجال نمی‌دهد و شوری عالی انقلاب فرهنگی، بر اساس رهنمود رهبر معظم انقلاب قاعداً تا باید این فضا و فرصت را ایجاد کند که طرح نظریه نه هزینه‌ای داشته باشد و نه ترجیحاً در کشور هرچ و مرج ایجاد کند. در این مهم باید «مصالحت‌عمومی» محل نظر باشد. این چیزی است که رهبر معظم انقلاب از طرح مسأله کرسی‌ها و راه‌اندازی دبیرخانه نظریه‌پردازی مدنظر داشتند.

ایشان شخصاً گفت‌وگو در باب ولایت‌فقیه و مسائل مهم کشور و آسیب‌ها را توصیه می‌کردند اما به نظر می‌رسد باید یک دستگاه فعال و شاداب در حوزه علوم انسانی، اجتماعی و دین، جریان را به‌دست بگیرد تا زمینه برای طرح نظریه‌های مختلف را فراهم کند. واقعیت این است که آنچنان که باید در نظریه‌پردازی ما هنوز به نظریه استوار و پایدار نرسیده‌ایم. دوم اینکه، این نظریه‌ها را امتداد نداده‌ایم؛ یعنی برای «گفتمان‌سازی» و «حاکم کردن آن نظریه» در بخش‌های مختلف کشور، اقدام لازم صورت گرفته است.

گاهی «رویه‌ها» در کشور به شبه‌نظریه‌ها و گفتمان حاکم تبدیل می‌شوند. بدون اینکه این رویه‌ها محل نقد قرار گرفته باشند یا پیرامون آنها یک‌سری مناظرات علمی جدی صورت گرفته باشد. به نظر می‌رسد یکی از آسیب‌هایی که امروز در کشور با آن مواجه هستیم «غیبت و نقد و مناظره» در اجتماعات علمی و فکری است. این در حالی است که گفتمان حاکم نیاز

ما باید نظریه‌ها را امتداد دهیم؛ یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره باید آن چیزی را که در جمع نخبگانی

اشاران شخصاً گفت‌وگو در باب ولایت‌فقیه و مسائل مهم کشور و آسیب‌ها را توصیه می‌کردند اما به نظر می‌رسد باید یک دستگاه فعال و شاداب در حوزه علوم انسانی، اجتماعی و دین، جریان را به‌دست بگیرد تا زمینه برای طرح نظریه‌های مختلف را فراهم کند. واقعیت این است که آنچنان که باید در نظریه‌پردازی ما هنوز به نظریه استوار و پایدار نرسیده‌ایم. دوم اینکه، این نظریه‌ها را امتداد نداده‌ایم؛ یعنی برای «گفتمان‌سازی» و «حاکم کردن آن نظریه» در بخش‌های مختلف کشور، اقدام لازم صورت گرفته است.

گاهی «رویه‌ها» در کشور به شبه‌نظریه‌ها و گفتمان حاکم تبدیل می‌شوند. بدون اینکه این رویه‌ها محل نقد قرار گرفته باشند یا پیرامون آنها یک‌سری مناظرات علمی جدی صورت گرفته باشد. به نظر می‌رسد یکی از آسیب‌هایی که امروز در کشور با آن مواجه هستیم «غیبت و نقد و مناظره» در اجتماعات علمی و فکری است. این در حالی است که گفتمان حاکم نیاز

ما باید نظریه‌ها را امتداد دهیم؛ یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره باید آن چیزی را که در جمع نخبگانی

اشاران شخصاً گفت‌وگو در باب ولایت‌فقیه و مسائل مهم کشور و آسیب‌ها را توصیه می‌کردند اما به نظر می‌رسد باید یک دستگاه فعال و شاداب در حوزه علوم انسانی، اجتماعی و دین، جریان را به‌دست بگیرد تا زمینه برای طرح نظریه‌های مختلف را فراهم کند. واقعیت این است که آنچنان که باید در نظریه‌پردازی ما هنوز به نظریه استوار و پایدار نرسیده‌ایم. دوم اینکه، این نظریه‌ها را امتداد نداده‌ایم؛ یعنی برای «گفتمان‌سازی» و «حاکم کردن آن نظریه» در بخش‌های مختلف کشور، اقدام لازم صورت گرفته است.

گاهی «رویه‌ها» در کشور به شبه‌نظریه‌ها و گفتمان حاکم تبدیل می‌شوند. بدون اینکه این رویه‌ها محل نقد قرار گرفته باشند یا پیرامون آنها یک‌سری مناظرات علمی جدی صورت گرفته باشد. به نظر می‌رسد یکی از آسیب‌هایی که امروز در کشور با آن مواجه هستیم «غیبت و نقد و مناظره» در اجتماعات علمی و فکری است. این در حالی است که گفتمان حاکم نیاز

ما باید نظریه‌ها را امتداد دهیم؛ یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره باید آن چیزی را که در جمع نخبگانی

اشاران شخصاً گفت‌وگو در باب ولایت‌فقیه و مسائل مهم کشور و آسیب‌ها را توصیه می‌کردند اما به نظر می‌رسد باید یک دستگاه فعال و شاداب در حوزه علوم انسانی، اجتماعی و دین، جریان را به‌دست بگیرد تا زمینه برای طرح نظریه‌های مختلف را فراهم کند. واقعیت این است که آنچنان که باید در نظریه‌پردازی ما هنوز به نظریه استوار و پایدار نرسیده‌ایم. دوم اینکه، این نظریه‌ها را امتداد نداده‌ایم؛ یعنی برای «گفتمان‌سازی» و «حاکم کردن آن نظریه» در بخش‌های مختلف کشور، اقدام لازم صورت گرفته است.

گاهی «رویه‌ها» در کشور به شبه‌نظریه‌ها و گفتمان حاکم تبدیل می‌شوند. بدون اینکه این رویه‌ها محل نقد قرار گرفته باشند یا پیرامون آنها یک‌سری مناظرات علمی جدی صورت گرفته باشند. به نظر می‌رسد یکی از آسیب‌هایی که امروز در کشور با آن مواجه هستیم «غیبت و نقد و مناظره» در اجتماعات علمی و فکری است. این در حالی است که گفتمان حاکم نیاز

درد که به وسیله نقردها و مناظره‌ها، فرسایش یا تعالی پیدا کند. اگر این اتفاق نیفتد، ممکن است مدتی به یک نظریه و رویه عمل کرده و آن را به‌عنوان گفتمان حاکم اجرا کنیم اما پس از آن، سال‌ها با اشکالاتی که آن گفتمان در پی داشته است، مواجه شویم. مثل نظریه‌های جمعیتی اشتباهی که در سال‌های گذشته عملیاتی کردیم و باعث شد تا با وجود اینکه از سرعت رشد جمعیتی مناسبی برخوردار بودیم امروز با چالش جمعیت مواجه شویم.

■ **واقعیت این است که آنچنان که باید در میدان عمل، دستاوردی در حد انتظار رهبر معظم انقلاب شکل نگرفته است. ما هنوز ابتدای راه هستیم. در راستای نظریه‌پردازی و ایجاد کرسی‌های آزاد اندیشی یکی از گام‌های بلندی که باید برداریم گسترش امنیت گفت‌وگو درباره نظریات حاکم یا تولید نظریه‌های غیر مأموس با فضای گفتمانی حال حاضر است تا اهالی فکر و صاحب‌نظران، هزینه بالایی برای طرح دیدگاه‌های خود نپردازند**

■ **اشاره کردید که ما هنوز به نظریه استوار و پایدار نرسیده‌ایم. مقصود شما از نظریه استوار و پایدار چیست؟ آیا ما به یک کلان نظریه نیاز داریم؟**

مقام معظم رهبری که مسأله کرسی‌های نظریه‌پردازی، آزاد اندیشی و نقد و مناظره را مطرح کردند، معتقد بودند که جامعه نخبگانی ما با حمایتی که دستگاه‌های کلان فرهنگی بخصوص شورای عالی انقلاب فرهنگی از آنها می‌کند و جاهتی که این شورا دارد، باید ابتدا زمینه اقبال به نظریه و دوم، گفت‌وگو در مورد رویه‌ها را در کشور ایجاد کنند و سوم امنیت لازم را به مخاطبان منتقل کنند. گاهی فضای اجتماعی، فضایی است که به گفت‌وگوی جدید مجال نمی‌دهد و شوری عالی انقلاب فرهنگی، بر اساس رهنمود رهبر معظم انقلاب قاعداً تا باید این فضا و فرصت را ایجاد کند که طرح نظریه نه هزینه‌ای داشته باشد و نه ترجیحاً در کشور هرچ و مرج ایجاد کند. در این مهم باید «مصالحت‌عمومی» محل نظر باشد. این چیزی است که رهبر معظم انقلاب از طرح مسأله کرسی‌ها و راه‌اندازی دبیرخانه نظریه‌پردازی مدنظر داشتند.

ایشان شخصاً گفت‌وگو در باب ولایت‌فقیه و مسائل مهم کشور و آسیب‌ها را توصیه می‌کردند اما به نظر می‌رسد باید یک دستگاه فعال و شاداب در حوزه علوم انسانی، اجتماعی و دین، جریان را به‌دست بگیرد تا زمینه برای طرح نظریه‌های مختلف را فراهم کند. واقعیت این است که آنچنان که باید در نظریه‌پردازی ما هنوز به نظریه استوار و پایدار نرسیده‌ایم. دوم اینکه، این نظریه‌ها را امتداد نداده‌ایم؛ یعنی برای «گفتمان‌سازی» و «حاکم کردن آن نظریه» در بخش‌های مختلف کشور، اقدام لازم صورت گرفته است.

گاهی «رویه‌ها» در کشور به شبه‌نظریه‌ها و گفتمان حاکم تبدیل می‌شوند. بدون اینکه این رویه‌ها محل نقد قرار گرفته باشند یا پیرامون آنها یک‌سری مناظرات علمی جدی صورت گرفته باشد. به نظر می‌رسد یکی از آسیب‌هایی که امروز در کشور با آن مواجه هستیم «غیبت و نقد و مناظره» در اجتماعات علمی و فکری است. این در حالی است که گفتمان حاکم نیاز

ما باید نظریه‌ها را امتداد دهیم؛ یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره باید آن چیزی را که در جمع نخبگانی

اشاران شخصاً گفت‌وگو در باب ولایت‌فقیه و مسائل مهم کشور و آسیب‌ها را توصیه می‌کردند اما به نظر می‌رسد باید یک دستگاه فعال و شاداب در حوزه علوم انسانی، اجتماعی و دین، جریان را به‌دست بگیرد تا زمینه برای طرح نظریه‌های مختلف را فراهم کند. واقعیت این است که آنچنان که باید در نظریه‌پردازی ما هنوز به نظریه استوار و پایدار نرسیده‌ایم. دوم اینکه، این نظریه‌ها را امتداد نداده‌ایم؛ یعنی برای «گفتمان‌سازی» و «حاکم کردن آن نظریه» در بخش‌های مختلف کشور، اقدام لازم صورت گرفته است.

گاهی «رویه‌ها» در کشور به شبه‌نظریه‌ها و گفتمان حاکم تبدیل می‌شوند. بدون اینکه این رویه‌ها محل نقد قرار گرفته باشند یا پیرامون آنها یک‌سری مناظرات علمی جدی صورت گرفته باشد. به نظر می‌رسد یکی از آسیب‌هایی که امروز در کشور با آن مواجه هستیم «غیبت و نقد و مناظره» در اجتماعات علمی و فکری است. این در حالی است که گفتمان حاکم نیاز

ما باید نظریه‌ها را امتداد دهیم؛ یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره باید آن چیزی را که در جمع نخبگانی

اشاران شخصاً گفت‌وگو در باب ولایت‌فقیه و مسائل مهم کشور و آسیب‌ها را توصیه می‌کردند اما به نظر می‌رسد باید یک دستگاه فعال و شاداب در حوزه علوم انسانی، اجتماعی و دین، جریان را به‌دست بگیرد تا زمینه برای طرح نظریه‌های مختلف را فراهم کند. واقعیت این است که آنچنان که باید در نظریه‌پردازی ما هنوز به نظریه استوار و پایدار نرسیده‌ایم. دوم اینکه، این نظریه‌ها را امتداد نداده‌ایم؛ یعنی برای «گفتمان‌سازی» و «حاکم کردن آن نظریه» در بخش‌های مختلف کشور، اقدام لازم صورت گرفته است.

گاهی «رویه‌ها» در کشور به شبه‌نظریه‌ها و گفتمان حاکم تبدیل می‌شوند. بدون اینکه این رویه‌ها محل نقد قرار گرفته باشند یا پیرامون آنها یک‌سری مناظرات علمی جدی صورت گرفته باشند. به نظر می‌رسد یکی از آسیب‌هایی که امروز در کشور با آن مواجه هستیم «غیبت و نقد و مناظره» در اجتماعات علمی و فکری است. این در حالی است که گفتمان حاکم نیاز

ما باید نظریه‌ها را امتداد دهیم؛ یعنی شورای عالی انقلاب فرهنگی، دبیرخانه حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی و نقد و مناظره باید آن چیزی را که در جمع نخبگانی

اشاران شخصاً گفت‌وگو در باب ولایت‌فقیه و مسائل مهم کشور و آسیب‌ها را توصیه می‌کردند اما به نظر می‌رسد باید یک دستگاه فعال و شاداب در حوزه علوم انسانی، اجتماعی و دین، جریان را به‌دست بگیرد تا زمینه برای طرح نظریه‌های مختلف را فراهم کند. واقعیت این است که آنچنان که باید در نظریه‌پردازی ما هنوز به نظریه استوار و پایدار نرسیده‌ایم. دوم اینکه، این نظریه‌ها را امتداد نداده‌ایم؛ یعنی برای «گفتمان‌سازی» و «حاکم کردن آن نظریه» در بخش‌های مختلف کشور، اقدام لازم صورت گرفته است.